



نشست روزنامه صبا با عوامل نمایش سنتز

## سه گانه‌ای درباره خشونت و م

**اخوان:** اجراء در چند ساحت مختلف ارجاع می‌دهد. ساحت اولش هم بعد اجتماعی آن است و مخاطب نمایشی اجتماعی می‌بیند که شاید در پس‌گوشش رخ بدهد. طی تحقیقاتی که در آن زمان در گروه داشتیم دهها اتفاق و قتل و اذیت و آزار دختران توسط پدرانشان رخ می‌داد. در ساحت الهیات ماجرا هم قابل تعمیم است. از بعد فلسفی هم می‌شود با نمایش مواجه داشت. به قول یکی از تماشاگران «سنتز» شبیه منشوری است که از هر سمت نوری به آن بتابانید نوری دریافت می‌کنید. تلاش داشتیم یک اجرای قابل مطالعه روی صحنه ببریم.

**نادر فلاح:** درباره تماشاگر عادی که سوال پرسیدید. «سنتز» چون قصه گوست و کاملاً خط‌روایی روشن و مشخصی دارد تماشاگر عادی حداقل با روند روایت قصه جلو می‌رود. شاید مخاطب عادی با بازگشت مجدد پدر به صحنه بعد از کشته شدنش کمی گیج بشود و تماشاگر خاص‌تر هم یقیناً تاویل و تفاسیر خاص خودش را از کلیت فضای اجرا دارد. تماشاگر کودک هفت ساله‌ای داشتیم که در تایم اجرای نمایش با دقت آن را دنبال کرد و با فضای قصه ارتباط برقرار کرد. چون در نمایش کنش‌هایی که رخ می‌دهد قابل باور است مخاطب درگیر اجرا می‌شود. در تمام اجراها تا به امروز تماشاگران در سکوت کامل به دیدن نمایش پرداخته‌اند.

**مخاطب ایرانی علاقه زیادی به شنیدن گفتار در فیلم و تئاتر دارد. کاری که در نمایش شما وجود ندارد. با این چالش چگونه برخورد داشتید؟**

**اخوان:** سکوت امکان این اجرا است. نمایش تجربه آلترناتیوی است در دراماتورژی سکوت. اصلاً چیزی با عنوان تنبیه سکوت داریم.

**همان قهری که متداول است؟**

**اخوان:** قهری که به سکوت منتهی می‌شود و بسیار پر معنا و وحشتناک‌تر از هر دیالوگی است.

**از تنبیه بدنی هم اثر گذار تر است؟**

**اخوان:** نمی‌توانیم وارد چنین معانی‌ای بشویم چرا که تنبیه بدنی در ساحت خودش قابل معنا است. سکوت راز آلودگی ایجاد می‌کند. در ضمن جایی از درام قرار داریم که وقت حرف زدن نیست. نمایش از

**آیا دختران شما تجربه بازی هم داشتند؟**  
**نادر فلاح:** در سنین کودکی دخترانم در نمایش قصه ظهر جمعه بازی داشتند. دختر بزرگم (یسنا) دانشجوی بازیگری و دختر کوچکم (حسنا) هم قصد ادامه تحصیل در یکی از رشته‌های هنری دارد. همواره علاقه داشته‌اند تا تجربه جدیدی را روی صحنه تئاتر انجام بدهند.

**چقدر برای شما به عنوان یک دختر این خشونت خانگی علیه دختران به عنوان دغدغه مطرح بود؟**

**حسنا فلاح:** اولین تجربه بازی با پدرم را در ۵ سالگی انجام دادم و این اولین تجربه جدی ام در بازیگری با پدرم محسوب می‌شود. این مسئله برای هر دختری مهم و به عنوان یک دغدغه فکری مطرح است خشونت‌کی که دیده و شنیده می‌شود.

**یسنا فلاح:** برای من هم این مسئله دغدغه مهمی بود و اخباری که بابت خشونت علیه زنان و دختران می‌شنویم ناراحت‌کننده است. این همکاری با پدرم و علیرضا اخوان تجربه خوبی بود و خیلی از نکات بازیگری را آموختم. تلاش کردیم رنجی را که ممکن است همه دختران ایران و دنیا از این بابت متحمل می‌شوند را نشان بدهیم.

**آیا «سنتز» دومین نمایش از یک کار سه گانه شما محسوب می‌شود؟**

**اخوان:** فکر نکنم که بتوانم پارت سوم (اجرای نوشتی در باره مرگ خود) این نمایش را روی صحنه بیاورم. «سنتز» سه گانه‌ای درباره خشونت و مرگ است. مرگ در سه نمایش عنصر محوری است و در همین اجرا هم مرگ قامت شوخی دارد. اینکه مرگ پدر را در صحنه‌ای ببینیم و در صحنه بعدش مشغول خوردن پیتزا با دخترش باشد. تئاتر این امکان را به ما می‌دهد که با مرگ شوخی داشته باشیم.

**جنس خشونت در هر سه اجرا تفاوت دارد؟**

**اخوان:** قطعاً همینطور است. بخش اول و دوم نمایش فاصله زیادی با هم دارند. به واسطه مفهوم فلسفه هگلی نام هر سه نمایش‌ها «سنتز» است.

**مخاطبی که به دیدن نمایش «سنتز» می‌آید آیا باید با یک پشتوانه قابل قبول مطالعاتی درباره فلسفه شرق و غرب چنین کاری را انجام بدهد؟**

احمد محمد اسماعیلی  
گفت و گو

یک مرد و دو دختر در فضایی وهم آور و سرشار از دلهره سه تبیین روابط پدر - فرزندی در چالش‌های ترین نوعش می‌پردازند. «سنتز» نمایشی تاثیرگذار در باب ارائه برشی از روابط اجتماعی که شاید در نزدیکی ما وجود دارد است و ما بی تفاوت نسبت به آن و تبعاتش در جامعه از آن عبور می‌کنیم. نمایش «سنتز» فروردین و اردیبهشت در سالن شهر زاد میزبان علاقه‌مندان است. در نشست این نمایش با علیرضا اخوان به عنوان نویسنده و کارگردان و نادر، یسنا و حسنا فلاح به عنوان بازیگران درباره فضا، مناسبات و ساختار نمایش گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

**نمایش سنتز موضوعی تکان دهنده و تاثیرگذار در باب طرح مسائل اجتماعی است. حضور دختران به عنوان پارت‌نرهای بازیگری در این نمایش برای شما چه ویژگی‌هایی دارد؟**

**نادر فلاح:** مسئله طرح شده در «سنتز» بحث خشونت خانگی علیه زنان، دختران، کودکان و به طور کلی مسئله‌ای بغرنج و جهانی است. چند روز قبل تماشاگری از ایتالیا به دیدن نمایش آمد و این مخاطب اذعان داشت خشونت خانگی در ایتالیا فراگیر و تکرار شونده است. این خشونت در جهان تبدیل به یک اپیدمی شده است و پرداختن به آن در تئاتر جزو ضروریات است. در ایران هم در صفحات اجتماعی هر چند روز یکبار خبری منتشر می‌شود که پدری به واسطه مسئله‌ای خیلی کوچک و کم‌اهمیت در فلان جا دخترش را کشته و یا مورد آزار جسمانی قرار داده است. نکته مهم در این نمایش بازی من در کنار دو دخترم بود و این امکان را به من داد که بتوانم تماس فیزیکی با آنها داشته باشم و گر نه این نمایش را به گونه دیگری که تماس فیزیکی بین بازیگران وجود نداشته باشد قابل اجرا نبود.

**یعنی به مدل دیگری فکر نشده بود؟**

**نادر فلاح:** از دو پسر بچه باید استفاده می‌شد که با توجه به مضمون نمایش این حضور بی‌معنی بود.